ادامه از صفحه اول

پیروزی استادان اصلاح‌طلب در دانشکده حقوق و علوم سیاسی

به علت محرمانه‌بودن فرایند رأی‌گیری نمی‌دانیم ایشان چه میزان رأی آورده و دکتر صادقی‌مقدم و کدخدایی چه میزان. ولی من حدس می‌زنم که رأی بالایی آورده و بعد از ایشان دکتر صادقی‌مقدم بوده و نفر سوم دکتر کدخدایی. دکتر تخشید از استادان آرام و ساکت دانشکده است. خیلی از نظر سیاسی فعال نیست درعین‌حال یک دوره دیگر در زمان سازندگی و اصلاحات رئیس دانشکده بوده است و باوجود اینکه داماد آیت‌الله یزدی است، مشی فوق‌العاده معتدل و میانه‌رویی دارد. تحصیلاتش را در آمریکا در رشته علوم سیاسی به اتمام رسانده و درحال‌حاضر در گروه روابط بین‌الملل تدریس می‌کند. در دهه ۷۰ هم حوزه انقلاب اسلامی و تحولات ایران را تدریس می‌کرد. نکته بسیار مهمی که باعث شد بیشتر استادان به دکتر تخشید رأی دهند، این بود که ایشان جهت‌گیری سیاسی خاصی ندارد و میانه‌روست. یکی از دلایل رأی‌آوری ایشان احترامی است که ایشان برای استادان و کارمندان قائل هستند. در آن دوره‌هایی هم که قبلا رئیس دانشکده بودند بسیار متین رفتار می‌کردند و هرگز نظر خودشان را به گروه‌های آموزشی تحمیل نمی‌کردند. ایشان در دوره ریاست پیشین خود بر دانشکده، همه تصمیمات آموزشی، پژوهشی و اداری را به خود گروه‌ها واگذار می‌کردند. این برخلاف رویه رؤسایی بود که در دوران احمدی‌نژاد به ریاست دانشکده رسیدند و متأسفانه نظرات خودشان را تحمیل می‌کردند. به نظرم این بالاترین دلیلی بود که باعث انتخاب او شد. نکته دیگری که درباره ایشان خیلی ارزنده است این است که ایشان برای استخدام‌های هیأت علمی هیچ‌وقت خط سیاسی خاصی را دنبال نکرد و حاضر نشد تسلیم گروه‌های فشاری شود که از بیرون از دانشکده اعمال نظر می‌کردند. بیشترین مخالفت با دکتر تخشید را استادان تندرو و رادیکال داشتند و متقابلا بیشترین حمایت را استادان میانه‌رو. من شخصا به دکتر نیلی‌احمدآبادی به‌خاطر این انتخاب تبریک می‌گویم. این اعتباری برای دانشکده حقوق و علوم سیاسی است که باید سرمشق فعالیت در چارچوب قانون قرار گیرد.

ترکمانچای حقیقی

فریدون مجلسی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

تیم مذاکرات هسته‌ای که با پشتگرمی به رأی اکثریت صلح‌طلب ملت ایران، از سطوح عالی نظام مأموریت داشت لغو تحریم‌های هسته‌ای را به سرانجام برساند و تهدیدهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی علیه مردم و کشور را از میان بردارد، با سربلندی در آخرین ثانیه‌ها در وقت اضافی با دریافت حداکثر امتیاز به توافق دست یافت. اکنون طبق برنامه در قدم بعدی، این مسئله به شورای امنیت ارجاع شده است. آنچه به دست آمده تا به اینجا، اسرائیل و عربستان و دلواپسان دست‌راستی آمریکایی را گیج و منگ کرده است. با توجه به توافق قبلی اعضای اصلی شورای امنیت انتظار می‌رود توافق وین درباره تحریم‌های اقتصادی و بازرگانی ایران به اتفاق آرا تصویب و وارد مرحله اجرائی شود. اما هنوز برخی نداهای دلواپسانه به گوش می‌رسد که علاقه‌مند به استفاده از واژگانی تاریخی برای توصیف آن هستند. قطع‌نامه‌های همین شورای امنیت که ایران را گرفتار خسارات قابل‌توجهی کرد، زیان‌بخش‌تر از «قرارداد ترکمانچای» بود. البته همین قطع‌نامه‌ها توسط دولت موردعلاقه تندروها، «کاغذپاره» نامیده شد. «موافقت‌نامه وین» در واقع باطل‌السحر تحمیل تحریم‌های ترکمانچایی است. «ترکمانچای»، وضعیتی است که در آن «دکل» دریایی نفت با بارش گم می‌شود و سر از جیب دیگران درمی‌آورد. ترکمانچای، به شرایطی گفته می‌شود که فرودگاه قشم با برج مراقبتش به فروش می‌رسد و در روز آخر نمایشگاه بین‌المللی به شکلی عجیب پیشکش می‌شود. وضعیت ترکمانچایی آن زمان خود را نشان می‌دهد که ته‌مانده خزانه دولت نیز در روز آخر جارو و به حساب دانشگاه توهمی رئیس دولت وقت هدیه می‌شود و صدا از هیچ دلواپسی برنمی‌آید.

دیده می‌شود که برخی محافل شناخته‌شده، ظریف و تلاش‌های او و تیم مذاکرات هسته‌ای را به تلاش مرحوم دکتر مصدق در قضیه ملی‌کردن صنعت نفت مقایسه می‌کنند.

دو مسئله از لحاظ ماهیت به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست. نفت در آن زمان تنها منبع درآمد ارزی محسوب می‌شد و شرکت نفت انگلیس رفتاری ناعادلانه داشت و نه‌فقط مورد حمایت ملت ایران بلکه مورد حمایت جهانیان بود. اما شباهتی شکلی می‌توانست وجود داشته باشد که خوشبختانه منتفی شد. شباهت شکلی در این بود که ملی‌شدن نفت به‌تنهایی درد ایران را دوا نمی‌کرد و بهره‌برداری و فروش نیز مهم بود. موضوع این بود که مرحوم مصدق، نفت ایران را غیر قابل جایگزین می‌پنداشت و احساسات ملی دیگران نیز پررنگ بود. در آن مقطع توانایی و امکانات فنی و مهندسی کشور، پاسخگوی بهره‌برداری و فروش نفت نبود و هزینه‌های پرسنلی و نگاهداری نیز به این هزینه‌ها افزوده می‌شد. در آن زمان برای خروج ایران از بن‌بست، راه‌حل‌های مناسبی پیشنهاد شد و به مرحله تفاهم نیز می‌رسید که ناگهان مخالفت می‌شد و مذاکرات به درازا می‌کشید. در واقع مذاکرات تیم مرحوم دکتر مصدق، رنگ مذاکره برای به‌توافق‌نرسیدن پیدا کرده بود و به بن‌بست رسید. ارسلان خلعتبری مشاور مصدق در بسیاری از امور حقوقی در صفحه ۳۹۷ خاطرات خود با اشاره به ورود بانک جهانی و راه حل موقت برای مدیریت بانک جهانی می‌نویسد: «سناتور صدیق اعلم و... به ملاقات مصدق رفتند... مصدق هم نصایح آنان را پذیرفت و پیشرفتی در مذاکرات حاصل شد و حتی همه موضوع قرارداد بانک را خاتمه‌شده می‌دانستند اما ناگهان ورق برگشت؛ اعلام شد که مذاکرات شکست خورده است که برخلاف انتظار بود». ارسلان خلعتبری در همان صفحه کتابش می‌افزاید: «... دکتر محمدعلی ملکی وزیر بهداری کابینه دکتر مصدق ضمن صحبت در قطار ترن... که همسفر بودیم... گفت: قرارداد در هیأت دولت مطرح شد و همه از خاتمه‌یافتن آن خوشحال شدیم و با آن موافقت کردیم ولی دکتر مصدق گفت باید با عده‌ای از همکاران خودش هم مشورت بکند. آنگاه از اتاق خارج شد و بعد از چندی برگشت و اظهار نمود که همکاران موافقت نکردند و علت شکست مذاکرات مربوط به مشورت با آن عده بود که طرف شور قرار گرفته بودند... به هر حال دکتر مصدق بهترین فرصت را برای حل مشکل نفت در اثر اشتباه از دست داد».

به‌نظر می‌رسد در آن مقطع برخی افراد، مصدق را نیز درباره اولویت‌های منافع ملی دچار تردید می‌کردند. تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دکتر ظریف با سرسختی کار را پیش برد و در عین حال، فرصت را از دست نداد و موفق شد. درحالی‌که مرحوم مصدق در مرحله دوم کار خود به نتیجه لازم نرسید و دولت او، در ۲۸ مرداد ۳۲ سقوط کرد.

انتظارات از ایران در دوران پساتحریم

منصور بیطرف
روزنامه نگار

توافق هسته‌ای بالاخره به ایستگاه آخر خود رسید. اکنون هر دو طرف به‌دنبال تحلیل خود از این توافق هستند؛ البته دراین‌میان به‌نظر می‌آید فقط ایران و آمریکا باید منتقدان توافق را توجیه کنند و دیگر اعضا مشکل داخلی برای توجیه این توافق ندارند. در ایران برخی تندروهای اصولگرا، که فعلا تا اندازه‌ای عقب‌نشینی کرده‌اند، مترصد فرصتی هستند که پنبه توافق را بزنند و از طرف دیگر جمهوری‌خواهان آمریکایی هم بیکار ننشسته‌اند و درصدد آن هستند که این توافق را معلق کنند؛ ولی هر آنچه در وین تصویب شده است، از نگاه جامعه بین‌الملل لازم‌الاجراست و طرفین باید به آن پایبند باشند؛ اما اوضاع توافق برای ایران در دوران پساتحریم از لحاظ داخلی و خارجی چگونه است؟ دراین‌باره بهتر است به تغییر و تحولات اقتصادی و سیاسی ایران و منطقه نگاهی بیندازیم:

ایران

در ایران بسیاری از نگاه‌ها به دوران پس از تحریم دوخته شده است. بسیاری بر این باور هستند که اقتصاد ایران پس از توافق به سرعت بهبود می‌یابد؛ اما واقعیت آن است این اتفاق به سرعتی که آنها فکر می‌کنند، روی نمی دهد؛ هرچند عقب‌ماندگی اقتصاد کشور در ۱۰ سال گذشته به تحریم‌ها و رویدادهایی مرتبط با مباحث هسته‌ای گره خورده بود، اما این امر سبب نمی‌شود رفع تحریم‌ها بتواند اقتصاد ایران را به سرعت بهبود بخشد. تحریم‌ها که از ۹ سال پیش با اولین قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل شروع شد و چهار سال پیش به اوج خود رسید، دو اتفاق مهم را در اقتصاد ایران رقم زد؛ اول اینکه، توسعه زیرساخت‌های ایران را متوقف کرد که برای «به‌روز»کردن آن باید سرمایه‌گذاری گزافی کرد. فقط یک رقم آن در صنعت نفت و در حالت بسیار خوشبینانه‌اش به بیش از صد میلیارد دلار و با درنظرگرفتن برنامه‌های توسعه‌ای و چشم‌انداز ۱۴۰۴ به بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار می‌رسد و اتفاق دوم که بسیار مهم‌تر از توقف توسعه زیرساخت‌هاست، شکل‌گیری شبکه‌ای است که در دوران تحریم رخ داده است. این شبکه که برچسب «دلالان تحریم» بر پیشانی آنها خورده است و در همه‌جا نفوذ یافته‌اند، مانند بختک به اقتصاد ایران چسبیده‌اند و جداکردن آنها، هم زمان می‌برد و هم سرمایه. آنها بی‌شک در این دوران بیکار نمی‌نشینند و به شکل‌های مختلف سعی در زیرسؤال‌بردن توافق دارند و چه‌بسا در این راه با چهره‌های بسیار موجهی هم وارد این عرصه شوند. آنها به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهند مسیر توافق به‌راحتی طی شود.

این دو اتفاق، بهبود اوضاع اقتصادی ایران و دوره آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. برای رفع مورد اول، بهتر است مسئولان ایران سیر سرمایه‌گذاری در کشور را تغییر دهند؛ هرچند این مهم در صنعت نفت در حال رخ‌دادن است و مسئولان این صنعت درصدد تغییر قرارداد بیع متقابل هستند؛ اما در صنایع و بخش‌های مختلف کشور هم این حرکت یا دیده نمی‌شود یا اینکه خیلی بطئی در حال پیشروی است. در دو سال گذشته اگر تکانی به اقتصاد ایران وارد شده، ناشی از بیدارشدن ظرفیت‌های خوابیده بوده است، اما پس از رفع تحریم‌ها این ظرفیت‌ها نمی‌توانند جواب‌گوی توسعه مدنظر اقتصاد ایران باشند. برای رفع مورد دوم، چاره در وحدت ملی و نگاه به منافع ملی است و بهتر است همه گروه‌ها و جناح‌ها حول آن جمع شوند. توافق هسته‌ای مربوط به تمامی ملت ایران است، نه یک جناح و پیروزی آن هم متعلق به ملت ایران است و نه یک جناح.

منطقه

توافق هسته‌ای، سیاست و نگاه منطقه را هم تغییر می‌دهد. دراین‌میان کشورهایی در منطقه از این توافق خشنود نیستند؛ عربستان سعودی و دولت‌های اقماری‌اش به‌هیچ‌رو حاضر نیستند قدرت منطقه‌ای خود را واگذار کنند. آنها به‌هرترتیب شده است می‌خواهند به آمریکا بقبولانند که هنوز ستون فقرات خاورمیانه را شکل می‌دهند؛ بنابراین از هر رویدادی استفاده می‌کنند تا ایران را یک «تهدید» معرفی کنند. ازاین‌رو، این وظیفه دولتمردان است که ابزار «تهدید» را از این نوع دولت‌ها بگیرند و به‌جای آن ابزار «فرصت» را در اختیار منطقه قرار دهند؛ به این معنا که این یک «فرصت» است، نه یک «تهدید». نتیجه اینکه، ایران پساتحریم بهتر است چهره خود را تغییر دهد. باید رفتار ایران در دوران پیش از تحریم با دوران پس از تحریم فرق داشته باشد. اگر در دوران پیش از تحریم ایران باید ثابت می‌کرد برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است، اکنون که جهان به حرف ایران اعتماد کرده است باید پس از توافق این حرف را در عمل نشان دهد. ایران باید نه فقط به منطقه خاورمیانه، بلکه به جهان نشان دهد که نه یک تهدید سیاسی است و نه یک تهدید نظامی، بلکه یک «فرصت» است. اگر تهدیدی هم هست این فرصت اقتصادی است که می‌تواند دولت‌ها و کشورهای منطقه را تهدید کند.

منهای پایتخت

حمایت فعالان غرب کشور از توافق هسته‌ای

• **شرق:** صدها نفر از فعالان دانشگاهی، سیاسی و مدنی غرب کشور حمایت قاطع خود را از دولت تدبیروامید، تیم هسته‌ای و توافق حاصل‌شده میان ایران با ۵+۱ اعلام کردند: پس از نزدیک به یک دهه چالش بر سر پرونده هسته‌ای کشورمان، با تغییر دولت و شروع‌به‌کار دولت تدبیروامید به ریاست‌جمهوری جناب دکتر روحانی، گفت‌وگوهای هسته‌ای مسیر تازه‌ای به خود گرفت و با سپرده‌شدن مدیریت گفت‌وگوها به وزارت خارجه به ریاست دکتر ظریف، خوشبختانه مذاکرات مسیر و جان تازه‌ای یافت. ما جمعی از اساتید دانشگاه، پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و فعالان فرهنگی و سیاسی غرب کشور با امضای بیانیه حاضر مراتب قدردانی و حمایت همه‌جانبه خود را از رویکرد دولت برای حل‌وفصل مسائل، ابراز می‌داریم.

ادامه از صفحه اول

ایرانِ پساتحریم و فرار مغزها

این نوع همکاری‌ها در سال‌های اخیر در کشور ما بسیار محدود شدند و عملا به همکاری بین دو استاد (ایرانی و خارجی) یا همکاری محدود در سطح دو لابراتوار صرفا در جهت فرصت‌های محدود پژوهشی برای بعضی دانشجویان دکترا بوده است. انجام پروژه‌های مهم و «واقعا مشترک» در قالب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی از این پس مورد انتظار خواهد بود.

۵- بسیاری از طبقه تحصیل‌کرده جدید به‌ویژه آنها که اکنون به‌تازگی درجه فوق‌لیسانس یا بالاتر یا زمینه‌های خاص تخصصی را در کشور (یا خارج از کشور) با موفقیت می‌گذرانند و مایلند در داخل کشور مشغول به فعالیتی در زمینه کار و تخصص علمی خود شوند، عملا چنین امکانی نمی‌یابند. اکنون و در فضای پساتحریم انتظار می‌رود این طبقه متوسط جدید که در زمینه‌های مختلف علمی صاحب تخصصی شده‌اند بتوانند با ایجاد فرصت‌های شغلی تازه در داخل کشور مشغول کار شوند. برای نگارنده هیچ‌چیز تلخ‌تر از آن نیست که بسیاری از دانشجویان خوب خود را ببینیم (و متأسفانه در سال‌های اخیر به فراوانی می‌بینیم!) که به‌دلیل نبود فرصت مناسب شغلی هرسال بیشتر از سال قبل مجبور به مهاجرت می‌شوند.
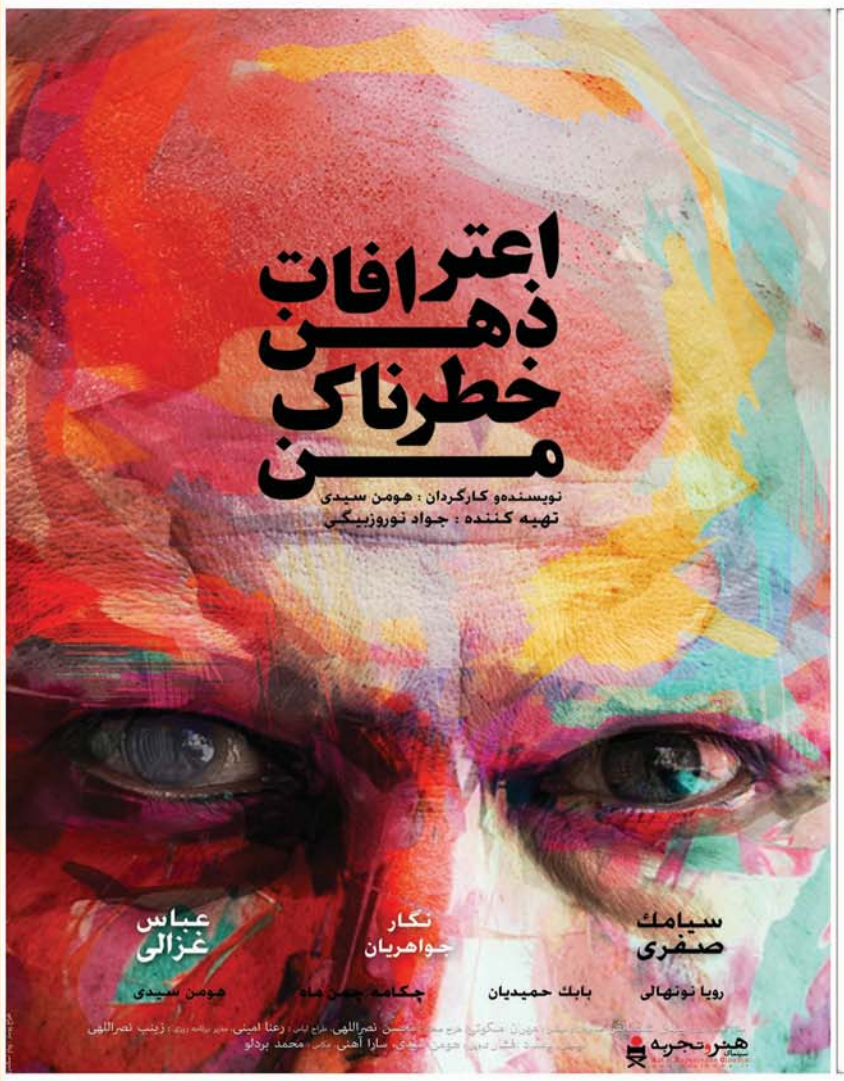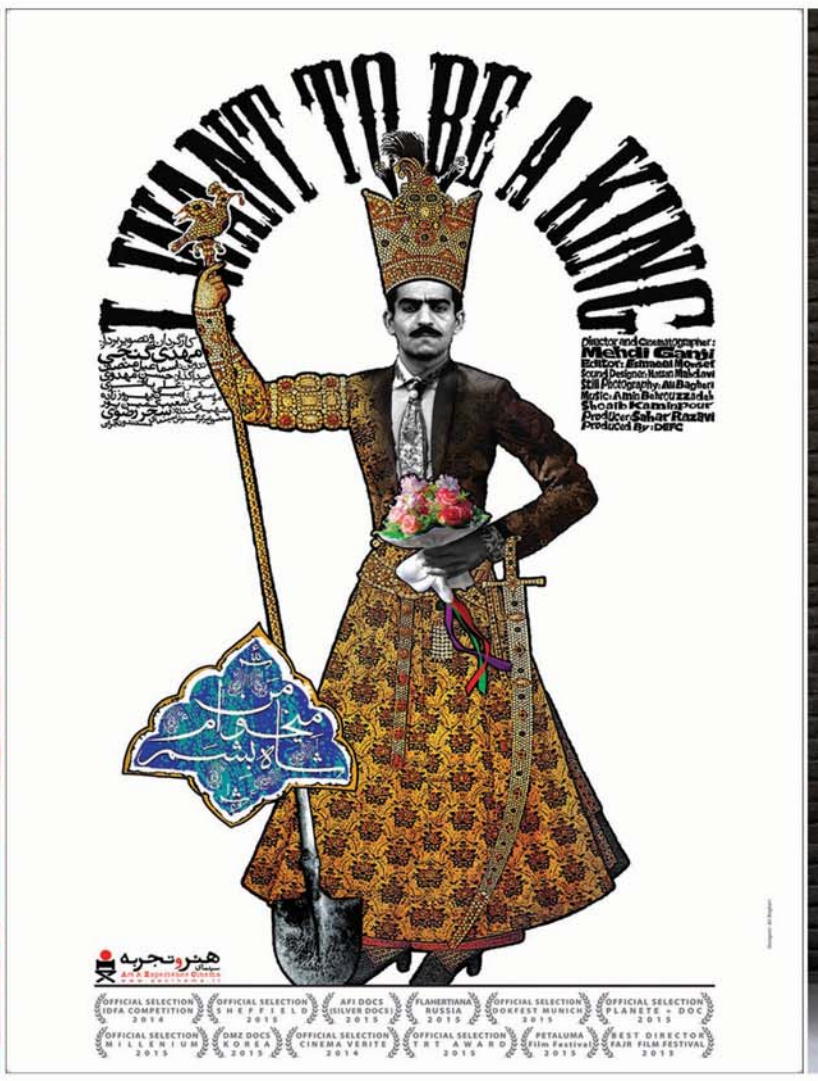
سینمای هنر و تجربه تقدیم می‌کند
برنامه سینماهای
پردیس سینمایی فرهنگ . پردیس سینمایی کورش
خانه هنرمندان . موزه سینما
پردیس سینمایی هویزه (مشهد) . تالار سینمایی سوره (اصفهان)
کاپری (گرگان) . ساحل (اهواز)
با عضویت در سایت aecinema.ir وخرید اولین بلیط اینترنتی فیلم های سینمایی هنر وتجربه می توانید ازتخفیف ۳۰درصدی درخریدهای بعدی بلیط سینماها استفاده نمایید.
aecinema.ir
cinematicket.org
سینمای هنر و تجربه
Art & Experience Cinema
www.aecinema.ir